

در امتداد تاریکی

ماجرای زندگی با خانواده‌ای که فقط نیمرو می خورند!

من فقط برای فرار از حرف‌های مردم که همه وجودم را آزار می‌داد تن به ازدواج با پسر مجردی دادم که تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی زیادی با یکدیگر داشتیم چرا که در آن سن و سال بیشتر خواستگار انم مردان متاهل بودند و ...

به گزارش روزنامه خراسان، زن ۴۳ ساله با بیان این که از همان ابتدا برای ازدواجم تصمیم اشتباهی گرفتم در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفتم:

فرزند بزرگ یک خانواده پنج نفره هستم که پدرم از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار بود اما بیماری سوزنن داشت و به قول معروف «بدل» بود. خوب به یاد دارم زمانی که مادرم خواهر کوچک‌ترم را باردار بود پدرم اجازه نداد مادرم در بیمارستان زایمان کند به همین دلیل عمه ام به منزل ما آمد و به اصطلاح مانند زمان‌های قدیم به دنبال قابله رفتند و خواهرم در خانه به دنیا آمد ولی مادرم دچار ضعف عضلانی شد به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانست حتی از چند پله بالا برود. خلاصه روزگار ما به همین ترتیب می‌گذشت تا این که پدرم برای امور تبلیغاتی به خارج از کشور رفت و مدتی را در تایوان به سر برد اما وقتی به ایران بازگشت مادرم دوباره باردار شده بود این ماجرا به تهمت‌های ناروا کشید تا جایی که هر شب در خانه ما جنگ و جدل بود و بالاخره انجام آزمایش پزشکی به این اختلافات پایان داد ولی رفتارهای پدرم تغییری نکرد. خلاصه ۱۸ سال بیشتر نداشتم که اولین خواستگارم را رد کردم چرا که با خود می‌اندیشیدم اگر وارد دانشگاه شوم جوانی سوار بر اسب آرزوها به سراغم خواهد آمد و مرا به آرزوهایم خواهد رساند اما باز هم هر خواستگاری را به بهانه‌ای رد می‌کردم تا جوان دلخواهم پیدا شود. در این شرایط مادرم مدام گریه می‌کرد و اصرار داشت به یکی از خواستگار انم پاسخ مثبت بدهم چرا که معتقد بود با این اخلاق تند و بدبینی‌های پدرم، کسی جرئت نمی‌کند با من ازدواج کند ولی من باز هم به حرف‌های مادرم گوش نمی‌دادم تا این که خواهرم و برادر کوچک‌ترم نیز ازدواج کردند و من در خانه ماندم. حالا دیگر نه تنها خواستگار انم کمتر شده بودند بلکه زمزمه‌هایی از اطرافیان می‌شنیدم که به شدت آزارم می‌داد و هر کس بنا به نیت خودش تهمت‌های ناروایی را به من نسبت می‌داد ای انواع بیماری‌ها را برایم می‌تراشید در حالی که تحصیلاتم را در مقطع کارشناسی ارشد به پایان رسانده بودم و شغل مناسبی داشتم اما آرام آرام مردانی متاهل به خواستگاری ام می‌آمدند که قبلاً ازدواج کرده بودند من هم با آن‌ که بیشتر از ۳۵ سال از عمرم گذشته بود به همه آن‌ها پاسخ منفی می‌دادم تا این که بالاخره در ۳۸ سالگی «شاهرخ» به خواستگاری ام آمد. او چند سال کوچک‌تر از من بود و دیپلم داشت. پدر و مادر شاهرخ فوت کرده بودند و او با خواهر و برادرانش زندگی می‌کرد اما مدعی بود هیچ ثروتی ندارد و حتی نمی‌تواند انگشت نامزدی را تهیه کند. اگر چه از هر نظر با هم تفاوت زیادی داشتیم اما من به دلیل رهایی از حرف مردم به خواستگاری او پاسخ مثبت دادم و با همه وجود مشکلات زندگی مشترک با او را پذیرفتم چرا که شاهرخ جوانی مجرد بود و دیگر لازم نمی‌دیدم به تهمت‌های ناروا پاسخ بدهم با وجود این مدتی بعد از آغاز زندگی مشترک تازه فهمیدم خواهر و برادران شاهرخ همه اربیه و اموال او را بالا کشیده اند و بقیه سرمایه‌اش نیز دست تنها خواهرش است چرا که شاهرخ حرف شنوی زیادی از خواهرش داشت و فقط به میل او رفتار می‌کرد.

بالاخره من به خواست شاهرخ زندگی در کنار خواهر و برادران او را در حالی آغاز کردم که هیچ کس اهمیتی به من نمی‌داد و رفتارشان با من به گونه‌ای دیگر بود. آن‌ها در طول چند روز هیچ گاه با من سخن نمی‌گفتند به طوری که روزها را می‌خوابیدند و شب‌ها تا سپیده صبح بیدار بودند. هیچ کس در خانه آن‌ها غذا نمی‌پخت و بیشتر اوقات نیمرو می‌خوردند و با کسی هم‌رفت و آمد و معاشرت نداشتند. خلاصه من در آن خانه حبس شده بودم و به شدت زجر می‌کشیدم حتی یک بار بعد از گذشت سه سال وقتی خواستم به خانه مادرم بروم با تعجب مادر او کرده بودند مدعی شدند که چه خبر است هنوز دیروز به خانه مادر رفتی؟! کار به جایی رسید که دیگر در نوع پوشش، گفتار، رفتار و حتی نوع صرف غذا هم با یکدیگر اختلاف داشتیم این در حالی بود که من صاحب فرزند می‌نشده بودم به گونه‌ای که همین موضوع دستاویزی برای سرزنش و تحقیر من شده بود. چند ماه قبل وقتی به دلیل رفتارهای ناشایست همسرم به او اعتراض کردم که دست از تماشای فیلم‌های مبتذل و مستهجن بردارد مرا زیر مشت و لگد گرفت تا حدی که سرم شکست و راهی بیمارستان شدم. حالا همسرم مدعی است به دلیل تحصیلات و موقعیت اجتماعی خانواده ام همواره به من حسادت می‌کرده و به همین دلیل نیز با من ازدواج کرده است و ...

گزارش خراسان حاکی است، به دستور سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) اقدامات مشاوره‌ای و بررسی‌های روان‌شناختی در این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

اختصاصی خراسان

«آیفون دزدها» در چنگ پلیس

باند مخوف «یک دست» متلاشی شد

گوشی قاپ‌های بی رحم پسر ۱۲ ساله ام را با چاقو مجروح کردند!

همین هنگام ناگهان جوان موتورسواری تا کمر داخل خودرو خم شد و گوشی را از دستم قاپید چرا که شیشه خودرو از قبل پایین بود. با جیغ و فریادهای من دو جوان موتورسوار که یکی از آن‌ها لباس طوسی رنگ و دیگری پوشش مشکی داشت در حالی از محل گریختند که راننده تا کسی اینترنتی به فریادهای من توجهی نکرد و مدعی شد چون ترافیک است، من نمی‌توانم آن‌ها را تعقیب کنم! و ... اما اکنون آن‌ها را در کلانتری شناسایی کردم و چهره یکی از دزدان را خوب به خاطر دارم.

جوان ۲۹ ساله دیگری نیز که طعمه باند مخوف «یک دست» شده بود درباره ماجرای سرقت گوشی گفت: ساعت حدود ۲۳ و ۳۰ دقیقه شب بود که یکی از همین دزدان موتورسوار سرش را از شیشه سمت شاگرد درون خودرو کرد و گوشی مرا به همراه شارژر آن چنگ زد و فرار کردند اما من فقط از پشت سر آن‌ها را شناختم چرا که آن روز ماسک به چهره داشت.

بانوی دیگری که ۳ رقم از پلاک موتورسیکلت «دزدان موتورسوار» را به خاطر داشت و نهم شهریور (روز حادثه) به پلیس گزارش کرده بود نیز در این باره به نیروهای تجسس کلانتری شهرک ناجا مشهد گفت: وقتی از بولوار لادن عبور می‌کردم در یک لحظه دو جوان موتورسوار وارد پیاده‌رو شدند و با استفاده از چاقو کیف مرا سرقت کردند که یکی از آنان لباس مشکی به تن داشت و هر دو نفر لاغر اندام بودند. من با آن‌ که ترسیده بودم فقط موفق شدم ۳ شماره از پلاک موتورسیکلت آنان را به خاطر بسپارم که اکنون موتورسیکلت و همان دو نفر را در کلانتری دیدم و از آنان شکایت کردم چرا که همه مدارک شناسایی، کارت‌های بانکی و دو میلیون تومان وجه نقد نیز درون کیف بود.

ادامه گزارش خراسان حاکی است، با توجه به این که احتمال افزایش سرقت‌های خشن توسط اعضای این باند خطرناک وجود دارد، آنان با صدور دستوری از سوی قاضی خداینده (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) روانه زندان شدند تا بررسی‌های بیشتری از سوی گروه تخصصی افسران دایره تجسس کلانتری شهرک ناجا در این باره صورت گیرد و مال باختگان دیگری نیز که طعمه اعضای این باند شده اند با مراجعه به کلانتری آنان را شناسایی کنند.

شایان ذکر است، تلاش نیروهای انتظامی برای دستگیری دیگر مرد معروف به «یک دست» و دیگر عوامل مرتبط با این باند همچنان ادامه دارد.

ام برای خرید از خواربار فروشی محله از منزل مادر بزرگش خارج شده بود که ناگهان دو جوان هوندا سوار که یکی از آنان لباس مشکی و دیگری آبی کم رنگ به تن داشت



عکس‌ها اختصاصی خراسان

جلوی او را گرفتند و پس از وارد کردن ضربه چاقو به شانه پسر، گوشی آیفون او را ربوده و متواری شده بودند. بعد از این حادثه پسر مرا به بیمارستان بردیم که تحت درمان قرار گرفت و گزارش آن نیز در پلیس ۱۱۰ وجود دارد.

یکی دیگر از شاکیان که تصویر «دزدان هوندا سوار» را شناسایی کرده بود به افسر پرونده گفت: چهارشنبه (شانزدهم شهریور) در پیاده روی بولوار امامن

حرکت می‌کردم که ناگهان سرنشین موتورسیکلت هوندای مشکی گوشی آیفون ۵۴ میلیون تومانی مرا ربود و فرار کردند اما من چهره سبزه و اندام لاغر او را به خاطر سپردم که دو جوان کم سن و سال بودند و اکنون آن‌ها را در کلانتری شناسایی کردم. خانم جوانی نیز که در زمینه تولید محتوای فضای مجازی فعالیت دارد به عنوان یکی دیگر از شاکیان «دزدان موتورسوار» گفت: ساعت حدود ۲۰ شب در صندلی عقب تاکسی اینترنتی نشسته بودم و گوشی تلفنم را در دست داشتم. در

گذشته در مناطق بولوار معلم، رسالت، نبوت (طلاّب)، اندیشه (قاسم‌آباد)، هفت تیر، ویلا و خیابان وحید گوشی قاپی کرده‌ایم.

زیر ذره بین بررسی‌های ویژه قرار گرفت. در همین حال «امید» (یکی از متهمان) پرده از باند مخوف «یک دست» برداشت و به افسران دایره تجسس گفت: من را کب موتورسیکلت بودم و «امین» هم ترک‌نشین آن بود که برای گوشی قاپی به میدان دانش‌امدیم اما بعد از آن که گوشی جوانی را در حاشیه خیابان سرقت کردیم هنگام فرار از چنگ مردم، موتورسیکلت واژگون شد و قبل از آن که بتوانیم دوباره فرار کنیم ماموران انتظامی از راه رسیدند و ما را به کلانتری هدایت کردند.

ایمن سارق خشن افزود: موتورسیکلت را که سابقه سرقت دارد از یکی از دوستانم به امانت گرفته

بودم و تاکنون فقط ۶ فقره گوشی قاپی انجام داده‌ایم و گوشی‌های سرقتی را نیز به فردی که یک دست او قطع شده و به «یک دست» معروف است تحویل می‌دادم که او تومان به ما می‌پرداخت.

این جوان ۱۸ ساله که مدعی بود اعتیاد به مواد مخدر و سابقه کیفری ندارد در ادامه

اعتراف‌اش گفت: طی همین چند روز پسر ۱۲ ساله



موتورسیکلت مورد استفاده سارقان هنگام گوشی قاپی

برداشتند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای دستگیری اعضای باند مخوف «یک دست» هنگامی در مشهد آغاز شد که «دزدان هوندا سوار» برای سرقت یک

گوشی دیگر به سمت میدان دانش در بولوار معلم حرکت کردند. آنان که در تاریکی شب لباس تیره به تن داشتند زیر نور چراغ خودروها به جست و جوی طعمه‌ای برای سرقت نشستند. طولی نکشید که چهار چشم‌پلید به جوانی دوخته شد که مشغول مکالمه تلفنی در حاشیه میدان بود.

موتورسواران که فرصت را مناسب دیدند بلافاصله به طرف مرد جوان رفتند. هنوز مرد جوان به حاشیه خیابان نرسیده بود که ناگهان سرنشین موتورسیکلت گوشی را از دست او قاپید و را کب نیز گاز موتورسیکلت را فشر داما در همین حال مال باخته فریاد زان

به تعقیب موتورسواران پرداخت به طوری که ر هگذران هم متوجه ماجرا شدند و راه فرار موتورسواران را سد کردند. «دزدان گوشی قاپ» که سعی داشتند با افزودن بر سرعت موتورسیکلت از لابه لای خودروها بگریزند، ناگهان از هر سو در محاصره مردم قرار گرفتند. در این هنگام بود که کنترل موتورسیکلت از دست راکب خارج شد و آن‌ها پس از برخورد با خودرو یکی از شهروندان کف آسفالت خیابان افتادند. دقایقی بعد با گزارش این ماجرا به پلیس ۱۱۰، بی‌درنگ نیروهای گشت انتظامی که در همان

اطراف مشغول انجام وظیفه بودند، عازم بولوار معلم شدند و در حالی دستبندهای قانون را بر دستان دو گوشی قاپ خشن حلقه زدند که بررسی‌های مقدماتی نشان داد موتورسیکلت آنان نیز سابقه سرقت دارد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با انتقال دو متهم ۱۸ ساله به کلانتری شهرک ناجا، بازجویی‌های فنی از آنان با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ محمد فیاضی (رئیس کلانتری شهرک ناجا) شروع شد چرا که پرونده‌های موجود در کلانتری و شگرد آنان در گوشی قاپی‌ها بیابگر آن بود که «هوندا سواران» سرقت‌های زیادی را مرتکب شده‌اند. به همین دلیل گروهی از افسران کارآزموده به سرپرستی سروان سینی (رئیس دایره تجسس کلانتری) تحقیقات تخصصی را با شیوه پلیسی ادامه دادند و به سرخ‌هایی از سرقت‌های خشن رسیدند که ریشه یابی آن

باند انفره سرقت سیم و تجهیزات ریلی متلاشی شد

یک باند ۱۰ نفره در سرقت‌ها باخبر شدند و پس از هماهنگی قضایی متهمان را در مخفیگاه‌شان دستگیر کردند.

سرهنگ رضا خلیلی نژاد خاطر نشان کرد: سارقان دستگیر شده که اتباع بیگانه هستند در بازجویی‌های تخصصی تاکنون به ارتکاب ۲۰ فقره سرقت تجهیزات انتقال نیرو و ادوات ریلی اعتراف کردند و برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی و روانه زندان شدند.

توکلی- در عملیات ماموران پلیس آگاهی شهرستان انار ۱۰ سارق تجهیزات انتقال نیرو و ادوات ریلی به دام افتادند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان انار کرمان گفت: به دنبال وقوع چند فقره سرقت سیم کابل هوایی، کابل مخابرات، تجهیزات و ادوات ریلی در این شهرستان، نیروهای پلیس آگاهی با حضور در محل‌های وقوع سرقت و بررسی‌های تخصصی از دست داشتن

کشف ۱۵۱ فقره سرقت در کرمان با اجرای طرح‌های پلیس

بنابر این گزارش، فرمانده انتظامی شهرستان کرمان نیز گفت: در عملیات‌های رده‌های انتظامی شهرستان کرمان ۲۱ فقره سرقت سیم برق کشف شد. سرهنگ مهدی پورامینایی ادامه داد: نیروهای انتظامی این شهرستان در زمینه مقابله با سرقت و کشف سرقت‌های به وقوع پیوسته در حوزه استحفاظی خود، طرح مبارزه با سرقت را در دستور کار خود قرار دادند که در این خصوص ماموران طی ۲۴ ساعت گذشته ۲۱ فقره سرقت سیم را کشف و ۹ سارق را دستگیر کردند و به مرجع قضایی تحویل دادند. این مسئول انتظامی با اشاره به کشف یک دستگاه موتورسیکلت و یک دستگاه دوچرخه سرقتی هنگام گشت‌زنی هدمند پلیس، خاطر نشان کرد: بیشتر اموال سرقتی کشف شده از سارقان مربوط به سیم و کابل برق بود.

کرمانی- با اجرای چهار طرح مبارزه با سرقت در کرمان ۳۵ سارق دستگیر شدند. به گزارش خراسان، رئیس پلیس آگاهی استان کرمان گفت: این طرح‌های ضربتی مبارزه با سرقت طی شهرپور امسال با هدف شناسایی و دستگیری سارقان، به مرحله اجرا درآمد. سرهنگ یدا... حسن پورافزود: با انجام اقدامات پلیسی و اشراف اطلاعاتی گسترده در اجرای این طرح‌ها ۱۵۱ فقره سرقت شامل ۳۴ فقره سرقت موتورسیکلت، ۴۴ فقره سرقت منزل، ۹ فقره سرقت اماکن دولتی، ۳۲ فقره سرقت اماکن خصوصی و ۳۲ فقره قطعات و لوازم داخل خودرو کشف شد و ۳۵ سارق به چنگ پلیس افتادند. وی تصریح کرد: روند شناسایی مال باختگان و تحویل اموال سرقتی به آنان در حال انجام است.